



داکتر سید عبدالله کاظم

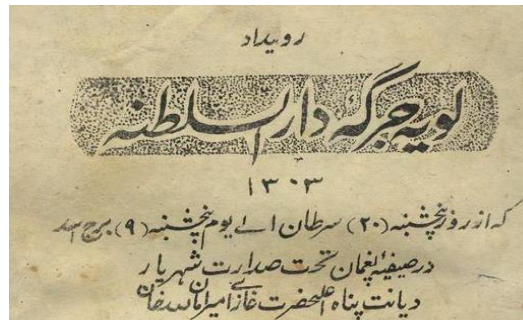
به همکاری: محمد ایاز نوری (آزادی) و نازک میر زهیر

21 آگست 2016

## "رویداد لویه جرگه دارالسلطنه 1303"

(به تقریب نود و هفتمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان)

(قسمت یازدهم)



د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

(ادامه بحث بر نظامنامه اساسی)

**مولوی کامه:** در ذیل ماده که در آن ذکر آزادی عامه است، معروض داشت که مقصد از لفظ آزادی در اینجا فقط آزادی شخصی و ذاتی عموم افراد افغانستان بر طبق شریعت و فرمایش حکومت است. لکن در عوام چنان افواه است که مطلب از آزادی، آزادی ادیان و افعال غیرمشروع و رقص و سرود و ملاعب [جمع لعب] و نواهی و اعمال نارواست.

**اعلیحضرت:** در این جا یک بیانیۀ تأسف آوری از حد طولی را بیک جدیت فوق العاده ایراد فرموده گفت: که مقصد از این آزادی، آزادی است که بر طبق مقررات شریعت غرای احمدی و هدایات حکومتی هر شخص از مظالم و دست اندازیهای غیرمشروع دیگر افراد آزاد و کاملاً حریت شخص خود را مالک باشد تا آن خرابیها و دست درازیهائی که سابق برین بر مال و جان و ناموس و شرف ذاتی اشخاص رعیتی هر روزه از طرف مامورین دولت و اشخاص صاحب رسوخ و اعزۀ ملت در معرض اجراء می آمد، مرفوع و مدفوع گردد. بعد کلامش را بسوی سازها و سرودها و مطرب ها و بازیگرانی که در اعصار سابق کسب شدت و کثرت داشتند، نموده ذکر لواطت و رقاصی ها و دیوانه بچه های بخارا را که یگانه موجب تباهی و خرابی آن مملکت شد از همان اعمال است فرموده گفت: آیا در دورۀ حکومتم بازیگریرا احدی بجای می بیند؟ آیا در نظامنامه عمومی جزای عمومی برای انسداد امثال این اعمال نامشروع مجازات مکی معین نگشته است؟ آیا طلاب و از عده علمای نادان در آن آوان در مساجد و بساتین حتی در کوچه ها و بازارها نمیرقصیدند و رقصهای فاحشه را بروی کار نمی آوردند؟ شما راست که بسوی معانی حقیقی مواد نظامنامه متوجه شوید و الا اگر تأویلات بنمائید پس از امثال این تأویلات کلام پاک و خالق کائنات خلاص نشده، مردمان منافق و خود غرض آیات بنیات او را از خود ترجمه و تأویل نموده برای افعال نامشروع خود تمسک میگیرند، پس احکام من عاجز را چطور تعبیرات غلط خواهند کرد؟ بهمین واسطه تفرقه و تشتت را در میان ما و شما نخواهند انداخت؟ یکی از ثمرات لذیذۀ آزادی این است که شما علما و فضلا و مشایخ و وکلاء و اعزۀ ملت امروز بحضورم حاضر و آزادانه اظهار افکار و آراء خود را می دارید. اگر شما بدین آزادی که بر طبق اوامر شرعی است، رضا مند نباشید، بسیار خوب اینک مرا اجازه بدهید مجلس را فتح کنم و بقصر خود رفته هر چه خواهش داشته باشم، کارکنم. اگر احدی به پیشگاهم بیاید و چیزی مخالف و رضایم بعرض رساند، علی الفور مانند زمانه های سابق دهانش تا گوشه‌هایش پاره کرده شود، هر روز و هر شب بصد ها نفر را بانواع و اقسام بقتل برسانم و تمام اجراءات و خواهشاتم را بچنان قطعیت در معرض اجراء گذارم که احدی را طاقت چون و چرا نباشد نه تنها از افغانستان بلکه از کره ارض هیچ و هراسی ننمایم. نی! ابدأ من از این لفظ آزادی آن معانی را که دشمنان ما انتشار داده اند، بخیال ندارم و یک سری موی از احکام شرعیه تخلف و تجاوز را روادار نیستم (والله) که ایمان و اسلام و عقیده خود را پاکیزه تر از عموم شما میدانم و برآن مسلمان و حاکم و پادشاه اسلام هزار هزار بار لعنت میگویم بر خلاف شرع انور کار نماید و یا رفتاری را اختیار کند و باید این سخن را هم بشما بدانم که من همراه شما ملت خود سیاست و انتریک [عمل تمثیلی] نمینمایم و بخدا چیزی که بدل دارم همه آنها را بزبان آورده بگوشه‌های تان میرسانم و باز اگر بر کدام فکر و رأی که مفید دین و ملت من باشد، قایم گردم اگر عالم بر خلاف من شود و یک جهان عائقه و موانع به پیشگاهم حاضر شود و بالای من بارانهای گله و توپ و تفنگ باشد، (والله) که از این فکر خویش نخواهم گشت. پس بدانید و خوب بفهمید کلمات و اتهامات را که بدخواهان افغانستان در میان ملت و حکومت تان افکنده سرا پا بغرض جدائی و خرابی ما و شما

د پانوی شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

است. اکنون که شما از خیالات من مطلع و حسیاتم را درک کردید، ضرور عموم ملت ام را نیز از حقایق اطلاع داده عموم را بیک راه و یک فکر و خیال متحد و متفق خواهید کرد.

**لویه جرگه :** بعد از اختتام این کلام ملوکانه باز غلغله ولوله و آشوب در سراسر لویه جرگه حکمفرما گشته از گوشه و کنار تذکر صفات و خصال و اعمال شایسته و افعال پاکیزه همایونی و بیان ترقی خواهی و ملت پروری و پیروی شریعت و منفعت خواهی مملکت و دولت اعلیحضرت غازی را مینمودند و میگفتند الحق که اعلیحضرت بلند تر از آنچه تصور داشتیم، یک ذات ستوده صفات و یک شخص رعیت دوست و ترقیخواه درک کردیم و از کلمات جواهر آیاتش چندان محظوظ و مشکور شدیم که الی مادام الحیات حق خدمت و مطاوعت او را چنانچه شاید و باید ادا کرده نخواهیم توانست و خوبتر دانستیم افواهاات و هزلیات را که بد خواهان ما در سر تا سر افغانستان نسبت به اجراءات و عملیات این مئی ملت افغان طنین انداز نموده بودند، کاملاً افتراء و بهتان است. ما تا جان در بدن و روح در تن داشته باشیم، انشاء الله که در خیالات عالیات و افکار جواهر آیات همایونی در تمام نقاط ممالک افغانی بذل مساعی خواهم ورزید {خلص اینکه از این قبیل کلمات از حد زیاد از هر طرف وارد گشته که ما از آن جمله صرف به نقل نمودن چند منطوقاتی که بعد از اختتام آنها مجلس این روز خاتمه یافته است و حضار از شنیدن آن خیلی محظوظ و مسرور شده بعد از ختام هر جمله آن او را بکفهای شادمانی تلقی نموده اند، اکتفاء میکنم. ب.د.}

**ملک نور محمد هزاره :** حضرت شهریار عدالت شعار شریعت رفتار پدر کردار (ارواحنا فداکط و ادم الله علی روسناک بقاظ) زهی شهریار تاجدار و قار عدالت آثار مرحمت شعار عرفان مدار حریت اطوار که شهرت شهرپاری او نام افغان را قاف تا قاف چون روز هویدا ، و قدر و صولت دولت ما نرا در دل دنیا پیدا، عدلش ذره نا چیز را جلوۀ خورشیدی و گدای محتاج را رتبه جمشیدی، نمله ضعیف را شوکت سلیمانی و قطره دریا را اندازه نعمانی بخشید، باز با کبوتر ابواب وداد را باز، و گرگ و غنم آبش خورد رنگ و تاز، عرفانش در این زمانه سعادت اقتران در روزگار، متاع علم و عرفان را باعلی مرتبه از توجه شهریار جهانی خریدار و هر زار و نزار از زاویه افتقار باین طریقه انیقه بدرجه اعتبار و اقتدار، بمضمون (الذین اتوالعلم درجات و بفحوای شرافت الانسان بالعلم والادب لا بالمال و النسب) رسیده از آنجائیکه پی علمان اعمی، و صاحب عرفان بینا است (من کان فی هذا اعمی فهو فی الاخرة اعمی) عالم خوابیده را بیدار و جهان لا یعقل را هوشیار ساخت، آزادیش ملت افغان را عموماً از قید بیگانه آزادی، خصوصاً هزاره بیچاره را از این غم، قرین شادی نمودی.

دخترک امت خیرالوری

همچو کنیزان شدی بیع و شری

از تو چنین شیوه انجار بد

گشت بخوبی بدل این کار بد

چون ادای نعمت و مرحمت هر نوب الحق و ولینعمت را خداوند باری بجز از شکر گذاری نفرموده، اگر تمام بدن مایان و زبان و جمله صغیر و کبیر مان بیان شود، ادای شکر این نعمت بی حصار را از هزار و اندکی از بسیار و مثنی از خروار و عشری از اعشار نمیتوانیم، آری بجز از دعاء چه ممکن فقیرا میشود . بمودای (ولئن شکرتم لازیدنکم) این نیاز نامه را بزبان قلم و خامه از زبان خاص و عامه هزاره نذل پیشگاه سلیمان جاه و بدل بار گاه کیوان نما نموده دعا (اللهم متع للمسلمین بطول حیاته و احفظ المومنین سقائه و ثباته وانصر اولیائه و اخذل اعدائه بحق محمد و اله الانتقیاء) میدارند.

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

**محمد حکیم سمت شمالی:** اظهار میدارد و با اخلاص بدون ریاء، سجایا و رضایا ی این پادشاه گردون پا یگاه را می شمارد که چشم روزگار اینچنین تاجدار و با وقار را ندیده و گوش لیل و نهار همچنین شهریار عدالت شعار مرحمت آثار نشنیده اگر جانها را در راه رضای او فدا کنیم روا، و اگر روانها را ایثار دربارت بداریم، بجاست .

از دست و زبان ما نیاید      کز شکر و ادای او براید

لا چار زبان اعتذار بدعای بر قراری حضرت شهریار گشوده دعای دوام دولت و درخواست سلامتی اعلیحضرت را از خداوند مینمایم .

شهریارا سرت بگردون باد  
بخت و دولت ترا زیبچون باد  
به طفیل محمدی عربی  
دشمنان تو چشم پر خون باد  
تو شهریار عزیزی و شاه محترمی      به هر چه حکم کنی بر وجود ما حکمی

**غلام حیدر هزاره دایزنگی:** چون در زمان سابق الی ده هزار نفوس اناث و ذکور از مردمان اسلامیه طائفه هزاره و جدیدی، شغنانی و بدخشی و چهار صده و غیره بلفظ کنیزی و غلامی بخانه های دیگر برادران ملت مقید بودند، ما مردم اگر بهزار زبان تشکر کنیم، ادای این مرحمت و نوازش اعلیحضرت غازی را نمیتوانیم که در ابتداء جلوس میمنت مأنوس خود اینچنین اناث و ذکور مان را اول از حضور خود از حرم محترم خود و دوم از خانه های دیگر برادران ملت کلیه آزاد فرمودند که یعنی هیچ فردی از افراد ملت نجیبه اسلامیه بلفظ کنیز و غلامی مقید نباشد و املاک این مردمان سی ساله چهل ساله که ضبط بود، برای صاحبانش عنایت فرمود که همه شان صاحب ملک و هستی و صاحب ثروت و سامان گردیدند. اینقدر مرحمت و الطاف که از حضور الطاف ظهور خسروانه این پادشاه محبوب القلب غازی در باره عموم رعایای ملت ملاحظه میشود، از هیچ سلاطین دیده نشده و نخواهد شد. زیاده زبانی نیست که ادای این شکر را نمائیم.

**مولوی محمد بشیر:** اگر ما در تاریخ و سر گذشت سیزده صد ساله مذاکره و بر احوال امروزه عالم اسلام موازنه و مقایسه کنیم، هیچگونه حال را با ماضی مقایسه کرده نمیتوانیم.

زیرا از یکطرف خواهیم دید که به زمانه گذشته در معموره عالم هیچ یک ملک نمانده بود که بیرق و پرچم اسلامی بر آن بصد عز و شان برافراشته نشده باشد و همچنین در حالت موجوده نیز خواهیم دید که بجز از چند قطعات معدودی باقی تا حال به آیات نصرت علامات اسلامی جلوه افروز انظارند، یک دست آویز قطعی و حجت حقیقی شجاعت کارانه اسلاف کرام و مجاهدین ذوالاحترام ماست که بکمال سربازی و جانفشانی گوشت و پوست خود ها را ریزه و استخوان های خود را برای حفظ و صیانت آن مقامات مانند سرمه ساخته اند که در ایندم کهل البعصر یگانه ما ملت اسلام شمرده میشود.

در این موقع خود حاضرین یک کمی از وقت کار گرفته ملاحظ و معاینه فرمایند که آیا اولادهای آن پدران باسعادت نمیباشیم و یا خدا نخواستہ در دعوی مسلمانانی ما از آنها فرق و امتیاز مخصوصی شده ایم؟ نی هر گز نی!

پس اینقدر تفاوت در وضعیت موجود موجوده اساسی ما و آنها چیست؟ نه تنها این سؤال عاجزانه منست بلکه این خیال به دماغ هر صاحب هوش و فکر لامحال خواهد پیچید. اما چون بدقت تام و باریکی مقصد انصرامی در اینفقره تغور [غور کردن] و تفکری کنیم، خواهیم دید که علاوه بر دیگر علل و اسبابیکه یگانه باعث پسپائی [پسمانی] ما شده یکی آن این است که ما قوم مسلمان آنطرز حکومتی را که قوانین معظم اسلامی بما نشان داده و بعرق ریزیهای گوهر یکتاء کائنات حضرت (محمد) عربی علیه الصلوة و التحیات صورت پذیر بود، در ازمنه و سطی یک قلم از ما نیست و نابود گردید و اکنون از آن اسلوب سرا سر مرغوب برای نام هم اثری باقی نمانده است.

ای معشر المسلمین! و ای علمای دیانت قرین! شما خوب تر و بهتر میدانید که اساس و بنیاد حکومت اسلامی بر شورای و مشوره نهاده شده است زیرا که حکومت بر کوائف و حقایق و شکایات و ضروریات هر طائفه و عائله ملت آگاه و با خبر بود هیچ یک کاری نخواهد کرد که موجب تغایر و منافر حاکم و محکوم گردد. چنانچه محدث مشهور امام حاکم در کتاب (مستدرک) برین مقصد یک حدیث نحیف را آورده و مصنف معرف کتاب (ذادالمعاد) آنرا نقل کرده است.

یعنی حضرت ابا هریره رضی الله عنه فرموده که هیچکس را نسبت بر رسول اکرم (ص) ندیده ام که زیاده تر مشوره کند، چنانچه آنحضرت از اصحاب طلب رأی میفرمودند!

در زمانه خلفای راشدین رحمت الله تعالی اجمعین همین خصوصیت و نوعیت را نیز درخشانتر و نمایان می بینم. اما چون بر احوال سلاطین و خلفای ازمنه وسطی نظر کرده شود، سلطان و خلیفه را در حلقه و دایره یک جماعت و گروه مخصوص و معدودی خواهیم یافت که آن جماعه و مصاحبان شاهانه بر حواس خمسۀ او مانند خونیکه در عروق و شرائین مستولیست، غالب گردیده در نتیجه سلطان و اولو الامر را از داد رسی و احوال پرسی مظلومان بیچاره و ستم رسیده گان جگر پاره بیخبر گر دانیده علاوه بر آن از تلافی و تدارک نقصانات و منفعتها او را نصیبۀ هم نمیدادند.

در اینموقع دشمنان داخلی و خارجی از همچه یک انفکاک و افتراق که در بین دولت و ملت هنگامه انداز شده بود، مستفیدالوقت گردیده علم انتفاع و کامیابی خود را برمی افراشتند و یوماً فیوماً یکی را بدیگری انداخته روز بروز دلیل و پریشان مینمودند بالاخره یکی را خورده و هضم کرده بخوردن دیگری شروع و آغاز مینمودند.

لکن در این عصر فرخنده گی حصر بدیع کائنات حضرت مجیب الدعوات بر قوم مسلمان یک مرحمت بس گرانی فرموده اند که مانند شما اعلحضرت و الا صفات ظل سبحانی را که در همه امور موفقیات و کامیابی تا آنرا بیش از مقصد خواهانیم، بر حکومت و سروری همچه یک خطۀ اسلامیت وسیله گماشته است و شما ناید که رسوخات محمدیه را مجدداً مانند آفتاب که یک مدت مدیدی در نقاب ابر های تیره و تاری محجوب و پوشیده باشد، بر کشیدید که از آنجمله حاضران انعقاد اینچنین مجلس عظیم (لویه جرگه) است، و عموماً تصدیق میکنند که سنت احمدی بعد از اندراس [کهنه - مندرس] و انعدام [ازبین رفته] بعصر بهیه امانیه زنده و تازه گردید و از خیالات اندیشانه پادشاه کارانه ات امروزه روز عموم ملت بواسطه این نماینده گان و وکلای پر شوکت شان مطلع و خبردار میگرددند و در این دم رجا و تمنا هر یک از افراد رعیت شان را مانند یک پدر مشفق مهربان بگوش حق نبوش خود شنیده و تلقی میفرمایند و به تلقینات مربیانه و ارشادات راه نمایانه و هدایات معلمانه و نوازشات شاهانه، آنها را بر جمع حقایق و وقایع داخلی و خارجی مملکت کاملاً آگاهی و انتباه بخشیده و از هر سر باخبر شان نموده هر پیر و جوان را خوشنود و مطمئن میسازید.

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ

چون بنزد خدای اجل احیای سنن نبویه و اقامه اوامر شرعیه محمدیه مستوجب اعلی و اقدم ترین مدارج مقبولیت و محبوبیت است، بناءً علیه امید قوی داریم که بمصداق حدیث منیف حضرت رسالت پناهی (من احیاء ماتى عند فساد امتى فله اجر مائه شهيد) یعنی هر کسیکه راه و رسم و طریقه و دستورالعمل مرا بوقت فساد و خرابی امت من زنده کند، پس برای او اجر صد شهید است.

همه میدانید که شهید چه درجهٔ اجر جمیل را حایز و دارا است. هزار افتخار برآن غازی پرفیض و اقبال بلند و طالع ارجمند خویش اجر صد شهید را پیدا کرده باشد. پس آیا با موجود بودن همچو یک مقام منیع و مرتبهٔ رفیع که برای ریزانیدن قطرهٔ آخرین خود یکطرف جوانان پر تدبیر بر او امر اعلیحضرت آماده و استاده اند و دیگر جانب فرزندان جوان همت و جمله علمای کرام و مشایخ سادات عظام بغرض ادای خدمت داخلی و خارجی برای دفاع هر مصادمه و پیش آمد بکمال فدا کاری و سربازی کمر بسته و تیار میباشند، و علاوه بر آن هر طرف که بنگیرید خواه از افراد ملکی باشند یا نظامی کشور باشند یا قشونی، منتظر اشارهٔ اولوالامر اعلیحضرت اند، آیا در چنین فرصت که خدای مهربان بخطهٔ معظمه افغانستان (صانه الله عن الشر آفات الزمان) بظل رأفت و مرحمت شهنشاه جوان الغازی (امیر امان الله خان) یک قوهٔ مکفیه مکمله اعطا و عنایت گردانیده، کدام دشمن و بدخواه میتواند یعنی که این دولت قوی شوکت را بنظر خفت ببیند و یا یک خیال دور از غفلت نماید یا ممکن است که آن خیالات برگزیده و ثمرات حسنه که در مد نظر گرفته شده، حاصل نماید.

{در خاتمه مجلس هر روز امثال این کلمات مدحیه و گذارشات دعایه قرائت میشد که از خوف تطویل سابق از این هم صرف نظر کرده ایم و در آتیه نیز آنرا قلم انداز خواهیم کرد : ب. د}

#### (ادامه در قسمت دوازدهم)